

# نه چندان دور

■ الهام دهقان

مسئول پرورشی دبیرستان دخترانه دوره اول



الهام دهقان مدرک کارشناسی علوم اجتماعی را از دانشگاه یزد و کارشناسی ارشد علوم ارتباطات را از دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات تهران گرفته است. وی بعد از همکاری با روابط عمومی دانشگاه آزاد یزد، از سال ۱۳۹۵ در روابط عمومی مجتمع جوادالائمه (ع) مشغول به کار شده و از سال ۱۳۹۹ نیز در سمت معاون پرورشی در دبیرستان دخترانه دوره اول همکاری خویش را با این مجتمع ادامه داده است.

الهام دهقان ۶ سال است که مادر پسری است (به نام علی)؛ که به اندازه تمام شب‌های کودکش برای او شعر و داستان سروده و حال به سبب حضورش در مدرسه، داستانی از او می‌خوانیم با رنگ و بوی لذت‌یادگیری.

چند روزی بود که درگیری بالا گرفته بود؛ ولی نیکو از خواسته خود کوتاه نمی‌آمد. برای آخرین بار فریاد زد: «من را برای سال جدید ثبت نام نکنید. من به مدرسه نمی‌روم.» و به اتاقش پناه برد.

فردای آن روز مادر نیکو تنها در حال راندگی بود که برنمای (بنر) «مدرسه زندگی»، با شعاری جالب، توجهش را جلب کرد: «ما حال فرزندانمان را به آینده‌ای درخشان پیوند خواهیم زد.» این جمله را که دید، ناخودآگاه پایش را روی ترمز زد و ماشین دقیقاً جلوی در مدرسه ایستاد. در باز بود و مادر نیکو وارد شد. تفاوت از بدو ورود بسیار برجسته بود. حیاط به دو بخش تقسیم می‌شد. در سمت چپ، فضایی بود به ابعاد شش متر در صد متر با سقفی گلخانه‌ای و سمت دیگر فضایی سرسبز با نیمکت‌ها و فواره‌هایی زیبا.

به سمت گلخانه کشیده شد. در طول مسیر پوسترهایی با این مضامین روی دیوار نصب شده بود: نحوه کاشت بذر و نگهداری از آن، نحوه نگهداری از پرندگان، نحوه قیمت‌گذاری تخم مرغ، مسئولیت‌پذیری و انجام کار گروهی. پوسترهایی هم بودند که روی آن‌ها ضرب‌المثل‌هایی نوشته شده بود: «گر صبر کنی، ز غوره حلوا سازی»، «هر که طاووس خواهد، جور هندوستان کشد»، «از کوزه همان تراود که در اوست» و... به در ورودی گلخانه رسید. صدایی به گوشش رسید که محال بود در محیط مدرسه بشنود؛ صدای جیک جیک جوجه‌ها! وارد شد و گلدان‌هایی را که با نظم خاصی در سراسر گلخانه چیده شده بود، دید؛ اما او به دنبال چیز دیگری بود. برای یافتن منبع صدای جوجه‌ها چند قدم برداشت و فضای فنس‌کشی شده‌ای با حدود سیصد چهارصد جوجه کوچک را دید. مبهوت این فضا بود که صدایی او را به خود آورد.

خوش آمدید! می‌توانم کمک‌تان کنم؟

مادر نیکو برگشت و یکی از کارکنان مدرسه را بالبخندی بر لب دید.

اگر مایل باشید، می‌توانید به دفتر مدیریت تشریف بیاورید تا درباره آنچه دیده‌اید توضیحاتی بشنویید.

مادر نیکو خود را جمع کرد و پیشنهاد مطرح‌شده را پذیرفت. ساختمان مدرسه مثل سایر مدرسه‌ها بود. راهرویی طویل داشت که کلاس‌ها دو طرف آن بودند؛ اما تمامی تزیینات سعی داشتند این نظم اجباری چندین ساله را بر هم بزنند.

ابتدای سالن پر بود از عکس لبخند بچه‌ها. بچه‌هایی با صورت‌های بسیار شاداب که در حین فعالیت‌های متعدد از آن‌ها عکس گرفته شده بود. عکس‌ها حس رضایتمندی و خوشحالی را به مخاطب منتقل می‌کرد. ناخودآگاه لبخند روی صورت مادر نیکو نقش بست. کمی جلوتر رفت. دیوارها با انواعی از کارهای هنری تزیین شده بود. در وسط راهرو فضای سبز کوچکی با صندلی‌های راحتی تعبیه شده بود. در اطرافش هم چند قفسه کتاب وجود داشت. پوستری در فضای آنجا نوشته شده بود: «خسته‌ای؟ بیا اینجا به نفسی تازه کن و برگرد به مأموریتت برس؛ کشف جهان که از شناخت خودت شروع می‌شه.»

به سمت دفتر مدیریت رفت. مشتاقانه منتظر توضیحات خانم مدیر بود. از پنجره اتاق خانم مدیر گلخانه پیدا بود. مادر بی‌صبرانه پرسید: «این گلخانه برای چیست؟»

مدیر بالبخندی بر لب مادر را به نشستن دعوت کرد و گفت: «در یک کلام، گلخانه آموزش پنهان است.»

مادر خندید و گفت: «این چطور پنهانی است که قسمت اعظم حیاط را به خود اختصاص داده است؟»

مدیر گفت: «پروژه گلخانه مجموعه‌ای از آموزش‌ها و مهارت‌ها را دربردارد و البته مهم‌ترین قسمت آموزش مدرسه محسوب می‌شود.»

بچه‌ها در ابتدای سال طی کارگاه‌هایی آموزشی که در گلخانه برگزار می‌شود، با نحوه اجرای آن آشنا می‌شوند. تسهیلگران قدم به قدم آموزش‌ها را می‌دهند و دانش‌آموزان خودشان کارها را پیگیری می‌کنند. پروژه گلخانه برای هر کلاس دو ساعت در هفته و ده دقیقه هر روز برنامه‌ریزی شده است.

هر دانش‌آموز گلدانی دارد و بذر اصلاح‌شده سالمی که از گیاهان میوه‌دار انتخاب می‌شود. تسهیلگران رشته کشاورزی روند کاشت گیاه و نگهداری از آن را آموزش می‌دهند. هر دانش‌آموز مسئول گلدان خودش است و باید در زمان‌های معین به آن آب دهد. (اینجا آموزش پنهان شروع می‌شود: «تقویت حس مسئولیت‌پذیری»، هر دانش‌آموز مسئول نگهداری از گلدان خویش است.)

- خب، اگر دانش‌آموزی مریض شد چه؟

- دومین آموزش پنهان اینجا قوت می‌گیرد؛ «تقویت حس همدلی و کار گروهی»، هر دانش‌آموز از هم‌کلاسی‌اش کمک می‌گیرد و از او می‌خواهد تا نگهداری از گلدانش را در روزهایی که نیست، برعهده بگیرد.

- جوجه‌ها برای چیست؟

- جوجه موجود زنده‌ای است که حساسیت‌های بیشتری برای نگهداری لازم دارد. هر روز آب و غذا می‌خواهد. برای مراقبت از جوجه‌ها نیز تسهیلگر دامپزشک همراه بچه‌هاست. این جوجه‌ها در طول سال تحصیلی رشد می‌کنند و در نهایت تخم‌گذار می‌شوند. تخم‌مرغ‌ها در بازارچه‌ای دائمی به فروش می‌رسند. مازاد آن نیز روزانه به فروشگاه محل ارسال می‌شود و درآمد آن به دانش‌آموز تعلق می‌گیرد.

مادر نیکو حالا معنی پوسترها و ضرب‌المثل‌ها را درک می‌کرد. حالا عمیق‌تر از گذشته نیکو را می‌فهمید و خوشحال بود که مأمونی امن برای دل بی‌قرار فرزندش یافته بود. □